

## بررسی ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در ترجمه خدایان تشنه‌اند با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی

مقاله پژوهشی

فاطمه میرزاابراهیم تهرانی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

دانشیار گروه مترجمی زبان فرانسه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رؤیا خلاصی

دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان فرانسه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

### چکیده

ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک که ترکیبی از ساخت‌های زبانی و ایدئولوژی است از مفاهیم اصلی تحلیل گفتمان انتقادی محسوب می‌شوند. در این مقاله می‌کوشیم با روش تحلیلی - توصیفی ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک را در ترجمه کتاب خدایان تشنه‌اند مشخص کنیم. از مدل سه‌وجهی فرزانه فرحزاد برای نقد و بررسی ترجمه کاظم عمادی استفاده کردیم، زیرا این مدل به‌طور خاص به تحلیل گفتمان انتقادی در مطالعه متون ترجمه‌ای می‌پردازد. در این مدل انتخاب‌های ترجمه‌ای در متن، پاره‌متن و نشانه‌های غیرکلامی از دیدگاه بینامتنیت و ایدئولوژی بررسی می‌شوند.

از میان راهبردهای ترجمه‌ای ایدئولوژیک موردبررسی در این پژوهش، رقیق‌سازی و حسن‌تعبیر، تشدید و تحریف بیشترین درصد فراوانی کل (در حدود دو سوم کل انتخاب‌های ایدئولوژیک مترجم) را به‌خود اختصاص دادند. در وهله بعد، تحریف، تضعیف، راهبردهای مرکب، تعمیم، جزء‌واژگی، و تخصیص درصد فراوانی کل کم‌تری نسبت به سه راهبرد قبلی دارند (تقریباً یک سوم کل انتخاب‌های ایدئولوژیک مترجم). در این بررسی مشخص شد که انتخاب‌های ایدئولوژیک با انتخاب‌های شخصی و سلیقه مترجم تفاوت دارند، هرچند گاهی تشخیص آن‌ها از هم دشوار است. گذشته از این، اکثر ساختارهای زبانی ایدئولوژیک به‌کاررفته در ترجمه فارسی خدایان تشنه‌اند دلایل فرهنگی، مذهبی و اخلاقی داشته است و مواردی که بار سیاسی مثبت به‌نفع حاکمیت وقت داشته باشد، کم‌تر به‌چشم می‌خورد.

<sup>1</sup>. E-mail: mirzaebrahim@atu.ac.ir  
<https://orcid.org/0000-0001-8347-0259>

DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2022.75928.1041>

کلیدواژه‌ها: آناتول فرانس، تحلیل گفتمان انتقادی، راهبردهای ترجمه، ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک، فرهنگ، مدل سه‌وجهی نقد ترجمه.

## ۱. مقدمه

تحلیل گفتمان به دلیل بینارشته‌ای بودن، به‌عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های گوناگون علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات، زبان‌شناسی انتقادی و مطالعات ترجمه مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل گفتمان انتقادی که یکی از شاخه‌های تحلیل گفتمان است از بُعد نظری و روش‌شناختی فقط به توصیف داده‌های زبانی نمی‌پردازد، بلکه می‌کوشد فرایندهای ایدئولوژیک مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان در ترجمه، مناسبات زبان با قدرت، پیش‌فرض‌های گفتمانی در بردارنده بار ایدئولوژیک و نابرابری‌های گفتمانی را نشان دهد. در این پژوهش برای مطالعه و نقد ترجمه رمان خدایان تشنه‌اند و همچنین بررسی ایدئولوژی بیان‌شده در متن ترجمه از مبانی تحلیل گفتمان انتقادی بهره بردیم.

خدایان تشنه‌اند (۱۹۱۲) اثر آناتول فرانس<sup>۱</sup> (۱۸۴۴-۱۹۲۴ م)، رمانی تاریخی است که در بستر «عصر وحشت»<sup>۲</sup> (۱۷۹۳-۱۷۹۴ م) در سال‌های نخستین پس از انقلاب فرانسه جریان دارد. این رمان سرگذشت انقلابیونی را بیان می‌کند که پس از رسیدن به قدرت خویی حیوانی به خود می‌گیرند و به نام آزادی دست به هر جنایتی می‌زنند. در این رمان بخشی از تاریخ انقلاب کبیر فرانسه روایت می‌شود؛ انقلابی که هر روز بیشتر از روزهای قبل فرزندان خود را بلعید. در نوشته‌های آناتول فرانس ترکیبی از عناصر رئالیستی، ناتورالیستی و سمبولیستی دیده می‌شود و آنچه این عناصر متفاوت را به هم پیوند می‌دهد، استقلال فکری و ادبی فرانس و تعهدش به عقل و احساس و آرمان‌های خویش در ورای عضویت در حزب چپ است. از این رو، اعتدال و روشن‌بینی را در جهت‌گیری‌های خود را رعایت کرده است. آثار او جنبه‌های مختلف زندگی انسان در خلوت افکار خویش و در بطن جامعه را منعکس می‌کند و ضمناً از ابژکتیویته رئالیستی فراتر می‌رود و عقاید او را در قالب دانای کل یا یکی از شخصیت‌ها در معرض قضاوت قرار می‌دهد.

درون‌مایه اصلی کتاب خدایان تشنه‌اند<sup>۳</sup>، تعصبات مرامی و عواقب آن است. شخصیت اصلی داستان، اواریسست گاملن<sup>۴</sup>، نمونه شبیه‌سازی‌شده مکسیمیلین روبسپیر<sup>۵</sup>، بزرگ‌ترین، باتقواترین و البته مخوف‌ترین رهبر

<sup>۱</sup>. Anatole France (né François-Anatole Thibault)

<sup>۲</sup>. La Terre

<sup>۳</sup>. Les Dieux ont soif

<sup>۴</sup>. Évariste Gamelin

<sup>۵</sup>. Maximilien Robespierre

انقلاب فرانسه است. گاملن جوان همان مسیر ساده عدالت‌خواهی بر مبنای قضاوت عقل و تقوا را طی می‌کند که روبسیپر پیش‌گام آن است و اتفاقاً هردو نیز به سرنوشت مشابهی دچار می‌شوند. مهم‌ترین ویژگی داستان‌های فرانس آن است که اشخاص و موقعیت‌ها را در یک چارچوب خاص سیاسی، مذهبی، اجتماعی یا اخلاقی محبوس نمی‌کند، بلکه تمام ابعاد آن‌ها را مطرح می‌کند و قضاوت را بر عهده مخاطب می‌گذارد. در این رمان نیز، مفاهیم تقوا، تعصب، ترس، ظن، دین، جمهوری، میهن، دشمن، عدالت، برابری و برادری را به صورتی طبیعی و آمیخته با فضای داستان مطرح کرده و مورد نقد قرار داده است.

نظر به جامعیت و گستردگی موضوعی آثار آنا تول فرانسه، زمینه مساعدی برای بررسی عناصر مختلف فرهنگی، دینی، سیاسی و غیره رمان خدایان تشنه‌اند در قالب ترجمه فارسی وجود دارد. هدف این مقاله پرداختن به تمام عناصر و توصیف راهبرد مترجم برای ترجمه هریک از این عناصر نیست، بلکه صرفاً پرداختن به مواردی است که حاکی از انتخابی ایدئولوژیک از سوی مترجم باشند. علت برگزیدن چنین رویکردی در نقد ترجمه آن است که نیازی مبرم به گسترش هرچه بیشتر حوزه بینارشته‌ای مطالعات ترجمه در شاخه تحلیل گفتمان انتقادی احساس می‌شود. بی‌تردید می‌توان گفت تحلیل گفتمان انتقادی یکی از کارآمدترین رویکردهای نقد ترجمه محسوب می‌شود. روشی که بدین منظور برگزیده‌ایم، مدل نقد سه‌وجهی فرحزاد (۱۳۹۰) است که در بخش «چارچوب نظریه» به تفصیل به آن خواهیم پرداخت.

برای نقد و بررسی رمان خدایان تشنه‌اند از ترجمه کاظم عمادی (۱۳۳۶) استفاده شده است. این ترجمه در دوره‌ای صورت گرفته است که فقط چند ناشر بزرگ نظیر بنگاه ترجمه و نشر کتاب و مؤسسه انتشارات فرانکلین، که خط‌مشی و سیاست روشنی در زمینه انتخاب اثر برای ترجمه داشتند، دیگر ناشران چندان وارد مسائل ادبی و اجتماعی ترجمه‌ها نمی‌شدند و این مسئولیت را بر عهده مترجم می‌گذاشتند و مترجم بنا به علائق، سلیق و جهان‌بینی خود دست به انتخاب اثر می‌زد. ضمناً، در دهه ۱۳۳۰ ش در ایران، حزب توده در میان روشنفکران و فرهیختگان ایرانی، از جمله قشر نویسندگان و مترجمان، طرفداران بسیاری پیدا کرده بود. از این جهت بیهوده نیست اگر تأثیر ترجمه این رمان و رونق حزب توده را متقابل بشماریم. در ادامه به ذکر برخی پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی، مدل نقد سه‌وجهی فرحزاد و ایدئولوژی در ترجمه و سپس به شرح مفاهیم مطرح در رویکردهای مختلف تحلیل گفتمان انتقادی، به‌ویژه ایدئولوژی و فرهنگ، خواهیم پرداخت و مدل فرحزاد را تبیین خواهیم کرد. آنگاه به بررسی، توصیف و تحلیل مثال‌هایی از پیکره مورد بحث خواهیم پرداخت و درنهایت،

مشاهدات و نتایج تحقیق خود را جمع‌بندی خواهیم کرد. هدف از انجام این پژوهش، پاسخ‌گویی به دو پرسش زیر است:

- الف) مترجم به‌منظور ترجمه ایدئولوژیک ساختارهای زبانی از کدام راهبردها (رقیق‌سازی و حسن‌تعبیر، تحریف، تشدید، تضعیف، تعمیم، تخصیص، جزء‌واژگی، راهبردهای مرکب) بیشترین بهره را برده است؟
- ب) مترجم به‌منظور اعمال کدام‌یک از انواع اصلی ایدئولوژی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و اخلاقی)، راهبردهای مذکور را به‌کار گرفته است؟

## ۲. پیشینه تحقیق

آقاگل‌زاده و غیاثیان (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی» ضمن بررسی و مقایسه مکاتب نگفا<sup>۱</sup>، سه مفهوم «انتقاد، قدرت و ایدئولوژی» را وجه اشتراک تمام مکاتب پنداشته و نگفا را حوزه‌ای میان‌رشته‌ای مبتنی بر رابطه دیالکتیک میان زبان، فرهنگ، جامعه و سیاست معرفی کرده‌اند. آقاگل‌زاده (۱۳۹۱) سپس در مقاله‌ای به نام «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی» به بررسی و تحلیل ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک براساس مفاهیم کلیدی نگفا و در چارچوب نظریه فرکلاف<sup>۲</sup> پرداخته و زبان را انعکاس باورها و انگاره‌های ذهنی فرد در جامعه دانسته است. یزدانی‌مقدم و فاخر (۲۰۱۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر ایدئولوژی و خصایص فردی بر انتخاب واژگان در ترجمه در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی» به بررسی ارتباط ایدئولوژی و انتخاب‌های شخصی مترجم در ترجمه دورمان مزرعه حیوانات<sup>۳</sup> و ۱۹۸۴، اثر جورج اورول<sup>۴</sup>، و رمان خر‌مگس<sup>۵</sup>، اثر اتل وینیچ<sup>۶</sup>، پرداخته و امکان تحلیل این ارتباط در چارچوب نگفا را بررسی کرده‌اند. مرادی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «نقد فرهنگی بر مبنای نظریه ایدئولوژی آلتوسر: بررسی نسبت ایدئولوژی و فرهنگ» به بررسی نسبت ایدئولوژی و فرهنگ در اندیشه آلتوسر پرداخته و به این منظور از مثال‌هایی مبتنی بر شیوه استیضاح و سوژه‌سازی در تبلیغات بهره برده است. فرحزاد (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «چارچوبی نظری برای نقد ترجمه» تحلیل انتقادی گفتمان را به‌عنوان چارچوب نظری مناسبی برای نقد ترجمه معرفی کرده است. وی با بیان آن‌که نقد ترجمه به جای جست‌وجوی درست و غلط باید بررسی کند انتخاب‌های

<sup>۱</sup>. کوتاه‌شده اصطلاح «تحلیل گفتمان انتقادی» که نخستین بار آقاگل‌زاده و غیاثیان (۱۳۸۶) آن را به‌کار برده‌اند.

<sup>۲</sup>. Norman Fairclough

<sup>۳</sup>. Animal Farm

<sup>۴</sup>. George Orwell

<sup>۵</sup>. The Gadfly

<sup>۶</sup>. Ethel Voynich

مترجم (در سطح واژگانی، دستوری و...) چه دلالتی دارند، کدام چارچوب ایدئولوژیکی را منعکس می‌کنند، و هویت‌های فرهنگی را چگونه به‌تصویر می‌کشند، مدلی سه‌وجهی مبتنی بر بینامتنیت - تکفا - انتخاب‌های مترجم ارائه کرده است که قادر به نقد ترجمه از دیدگاه‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی، سیاسی، اقتصادی و غیره باشد. فرحزاد (۱۳۸۷) سپس در مقاله «نقد ترجمه از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی» به شرح و بسط مدل سه‌وجهی نقد ترجمه با تبیین مفهوم فرامتن در دو سطح خرد و کلان پرداخته است. فرحزاد و مدنی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «ایدئولوژی و ترجمه: مطالعه موردی» به بررسی تأثیر ایدئولوژی‌های جاری در سه دوره مختلف تاریخی (دهه‌های ۱۳۵۰، ۱۳۶۰ و ۱۳۸۰ ش) بر ترجمه رمان آمریکایی بریاد رفته<sup>۱</sup>، نوشته مارگارت میچل<sup>۲</sup>، در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌اند. فرحزاد (۱۳۹۰) سرانجام در مقاله «نقد ترجمه: مدلی سه‌وجهی براساس تحلیل انتقادی گفتمان»، مدل نهایی نقد سه‌وجهی را مبتنی بر این فرض تبیین کرده است که رابطه بین متن پیشین<sup>۳</sup> (مبدأ) و متن پسین<sup>۴</sup> (مقصد) رابطه‌ای بینامتنی است که در دو فضای بومی و جهانی عمل می‌کند. در این مدل نقد ترجمه در سه سطح متنی، پیرامنتی و نشانه‌ای (نشانه‌های غیرکلامی) صورت می‌گیرد که همین روش مبنای کار ما در این پژوهش قرار خواهد گرفت. عبدی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با نام «زمان دستوری و تلوپحات ایدئولوژیک آن در ترجمه با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» با تکیه بر مدل سه‌وجهی نقد ترجمه فرحزاد، به بررسی تلوپحات ایدئولوژیک زمان‌های دستوری در ترجمه فارسی زندگی‌نامه نلسون ماندلا<sup>۵</sup> و زندگی‌نامه مارگارت تاچر<sup>۶</sup> پرداخته‌اند. در این مقاله، آن‌ها نشان می‌دهند که گرچه تعداد تلوپحات ایدئولوژیک مبتنی بر زمان افعال به نسبت کل افعال ترجمه‌شده بسیار کم است، اما در هر جا که به‌کار رفته، نتیجه تلاش مترجمان برای نمایاندن چهره‌ای خاص از ماندلا یا تاچر نزد مخاطب ایرانی بوده است. سجودی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و نقد ترجمه بین‌زبانی و ترجمه بین‌نشانه‌ای مرگ دستفروش از دیدگاه نشانه‌شناسی انتقادی» با تکیه بر رویکردی مرکب از دیدگاه‌های مطرح در حوزه نشانه‌شناسی انتقادی به نقد بین‌زبانی و بین‌نشانه‌ای نمایشنامه مرگ فروشنده<sup>۷</sup> اثر آرتور میلر<sup>۸</sup> و اقتباس تله‌تئاتری فارسی آن با عنوان مرگ دستفروش پرداخته‌اند. امیرشجاعی و قریشی (۱۳۹۲)

1. Gone with the Wind

2. Margaret Mitchell

3. proto-text

4. meta-text

5. Nelson Mandela

6. Margaret Thatcher

7. Death of a Salesman

8. Arthur Miller

در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نشانه‌ای - فرهنگی و تغییر ایدئولوژی در ترجمه (براساس تحلیل گفتمان انتقادی) مطالعه موردی: پیر مرد و دریا، اثر ارنست همینگوی» جهت نشان دادن انتقال ایدئولوژیکی و فرهنگی در فرایند ترجمه ادبی پیر مرد و دریا، نوشته ارنست همینگوی<sup>۲</sup>، از نظریه ون‌دایک<sup>۳</sup> در سطح خرد (واژه‌سازی، انتخاب‌های نحوی و استعاره‌های دستوری) و نظریه هاکین<sup>۴</sup> در سطح کلان (ژانر، سیاق و فریم) یاری جسته‌اند.

ترجمه رمان خدایان تشنه‌اند تاکنون با رویکرد نقد سه‌وجهی در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، مطالعه نشده است. پژوهش حاضر بر آن است تا با استفاده از این مدل شماری از راهبردهای به‌کار رفته در ترجمه را توصیف و تحلیل کند.

### ۳. چارچوب نظری

#### ۳-۱. تحلیل گفتمان انتقادی (تگفا)

تگفا در سال ۱۹۷۹ به همت پیروان زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی<sup>۵</sup> مطرح شد. یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی انتقادی است که خود تحت تأثیر نظریات فلسفی هابرماس<sup>۶</sup> (مکتب فرانکفورت<sup>۷</sup>)، فوکو<sup>۸</sup>، گرامشی<sup>۹</sup>، آلتوسر<sup>۱۰</sup> در باب ایدئولوژی، نظریه نشانه‌شناسی بارت<sup>۱۱</sup> و آثار انتقادی باختین<sup>۱۲</sup> و ولوشینوف<sup>۱۳</sup> قرار دارد. همچنین مکتب زبان‌شناسی و نشانه‌شناسی پراگ<sup>۱۴</sup>، رویکرد انسان‌شناسی ساختارگرا - کارکردگرای بریتانیا، کار جامعه‌شناس آموزشی، برنشتاین<sup>۱۵</sup>، و نیز کار اولیه زبان‌شناسانی چون ساپیر<sup>۱۶</sup> و وُرف<sup>۱۷</sup> تأثیر بسزایی بر شکل‌گیری تگفا داشته است (امیرشجاعی و قریشی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰). ون‌دایک یکی از تأثیرگذارترین نظریه‌پردازان این حوزه معتقد

1. The Old Man and the Sea
2. Ernest Hemingway
3. Teun A. van Dijk
4. Thomas Huckin
5. M. A. K. Halliday
6. Jürgen Habermas
7. École de Francfort
8. Michel Foucault
9. Antonio Gramsci
10. Louis Althusser
11. Roland Barthes
12. Mikhail Bakhtin
13. Valentin Voloshinov
14. Cercle linguistique de Prague
15. Basil Bernstein
16. Edward Sapir
17. Benjamin Lee Whorf

است که تگفا چارچوب نظری و روش‌شناسی ویژه‌ای ندارد، ماهیتی بینارشته‌ای دارد. تگفا مبتنی بر هستی‌شناسی اجتماعی و واقع‌گرایی است که هم رویدادهای عینی و ملموس اجتماعی (متن) و هم ساختارهای ذهنی اجتماعی (نظام زبانی) را به‌مثابه بخشی از واقعیت اجتماعی در نظر می‌گیرد (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۵).

در مورد علت اصلی شکل‌گیری تگفا می‌توان گفت، گرچه با پیشرفت و گسترش اندیشه در اقصی نقاط جهان، گفتمان‌های بشری در فرهنگ‌های گوناگون بسیار به هم نزدیک شده، اما چون هنوز بر هم منطبق نشده‌اند، برای ترجمه یک گفتمان از زبان - فرهنگی به زبان - فرهنگ دیگر، تعدیل گفتمانی همچنان ضرورت دارد (صلح‌جو، ۱۳۷۷، ص. ۶۳). از این رو، مترجمان با تکیه بر «ایدئولوژی»های حاکم بر جامعه‌ای که عضوی از آن هستند در ترجمه دستکاری می‌کنند تا آن را «تعدیل» کنند. منظور از دستکاری در ترجمه، برقراری «انطباق گفتمانی» در مواردی است که رو به‌رو شدن با آن‌ها خوشایند مخاطب مقصد نیست. البته انطباق نباید به‌گونه‌ای باشد که به نقش ارتباطی - معنایی متن مبدأ لطمه‌ای وارد کند (صلح‌جو، ۱۳۷۷، ص. ۸۶).

زبان‌شناسی انتقادی و تگفا هر دو دارای «یک منظر مشترک در انجام تحلیل گفتمان، تحلیل زبان‌شناختی و نشانه‌شناختی هستند» (ون دایک، ۲۰۰۲، ص. ۱۳۱). هردوی آن‌ها به تحلیل روابط ساختاری آشکار یا پنهان سلطه، تبعیض نژادی، قدرت، کنترل و تجلی آن‌ها در زبان علاقه‌مندند و می‌خواهند نشان دهند استمرار کاربرد نابرابری‌های اجتماعی در زبان موجب شکل‌گیری، تثبیت و مشروعیت آن‌ها می‌شود (آفاگل‌زاده و غیاثیان، ۱۳۸۶، ص. ۴۰). از مهم‌ترین مباحث مورد مطالعه تگفا می‌توان به طبقه اجتماعی، جنسیت‌زدگی و گرایش جنسی، تبعیض نژادی و مهاجرت اشاره کرد. افرادی چون فرکلاف، ون دایک، وداک<sup>۱</sup>، هاکین، کرس<sup>۲</sup> و ون لیوون<sup>۳</sup> نیز مبتکر برجسته‌ترین رویکردهای این رشته هستند. در ادامه مفاهیم مطرح در تگفا را به اختصار معرفی خواهیم کرد.

• **ایدئولوژی:** ایدئولوژی‌ها بازنمون منتسب به نهاد اجتماعی، بازتولید و تغییر مناسبات اجتماعی قدرت و سلطه هستند (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۶). به عبارت ساده، روش‌هایی هستند که برای تثبیت مناسبات سلطه به‌کار می‌روند. این مفهوم ایدئولوژی از معنای آن در مقام زیسته متفاوت است. ایدئولوژی در مقام زیسته یعنی آن‌که تمام کنش‌ها، رفتارها و مناسبات انسانی ایدئولوژیک است (مرادی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶). در معنای دیگر، یک سری ایدئولوژی‌های تاریخی مانند مارکسیسم،

<sup>۱</sup> Ruth Wodak

<sup>۲</sup> Gunther Kress

<sup>۳</sup> Theo van Leeuwen

لیبرالیسم، ناسیونالیسم، فاشیسم، فمینیسم و... وجود دارد. آلتوسر تحت تأثیر مارکس<sup>۱</sup>، فروید<sup>۲</sup> و لاکان<sup>۳</sup> معتقد است که کارکرد ایدئولوژی مانند زبان و هر ساختار ناخودآگاه دیگر است (مرادی، ۱۳۹۶، ص. ۲۳). «آنچه انسان‌ها در ایدئولوژی برای خود بازنمایی می‌کنند، شرایط واقعی هستی و جهان واقعی آن‌ها نیست، بلکه فراتر از آن رابطه آنان با شرایط هستی‌شان است که در ایدئولوژی بازنمایی می‌شود» (آلتوسر، ۲۰۰۷، صص. ۵۹-۶۰ به نقل از مرادی، ۱۳۹۶، ص. ۲۴). آلتوسر ضمناً معتقد است که هستی ایدئولوژی مادی است.

● **فرهنگ:** برداشت انسان‌شناسانه از فرهنگ را می‌توان در تعریف کلاسیک تایلور<sup>۴</sup> مشاهده کرد: «فرهنگ یا تمدن در معنی قوم‌نگارانه آن یک کلیت پیچیده است که شامل معرفت، اعتقاد، هنر، اخلاق، قانون، آداب و رسوم و سایر قابلیت‌ها و عاداتی می‌شود که انسان به‌مثابه عضوی از جامعه آن‌ها را کسب می‌کند» (تایلور، ۱۹۰۳، ص. ۱ به نقل از مرادی، ۱۳۹۶، ص. ۳۰). طبق تعریف بارکر<sup>۵</sup> (۱۳۸۷)، فرهنگ مجموعه‌ای از بازنمایی‌هایی است که در زندگی روزمره ریشه دارد و جهان‌بینی فرد را شکل می‌دهد (مرادی، ۱۳۹۶، ص. ۲۷). پس فرهنگ حاکم بر هر جامعه نیز خصوصیات یک ایدئولوژی تاریخی را دارد. اما جان فیسک<sup>۶</sup> بر این باور است که واژه فرهنگ در اصطلاح مطالعات فرهنگی نه مفهومی زیبایی‌شناسانه دارد و نه بر انسان‌گرایی تأکید می‌ورزد، بلکه مفهومی سیاسی است. به عقیده او، فرهنگ صدای روح انسانی نیست که همواره مردان را خطاب قرار داده است و به‌علاوه نقش مقاومتی یا مقابله‌ای در برابر جریان‌های ایدئولوژیک و سلطه‌های هژمونیک ایفا نمی‌کند، بلکه کمابیش روشی برای زندگی در جامعه‌ای صنعتی است که تمام معانی آن تجربه اجتماعی را دربرمی‌گیرد. بنابراین، فرهنگ علاوه بر این که مفهومی سیاسی است؛ یعنی به قدرت و نظام طبقاتی مرتبط است، ایدئولوژیک هم هست (مرادی، ۱۳۹۶، ص. ۲۷). در تکفأ، مفهوم موردنظر ما از فرهنگ به نقشی که فیسک برای

1. Karl Marx

2. Sigmund Freud

3. Jacques Lacan

4. Edward B. Tylor

5. Chris Barker

6. John Fiske



فرهنگ قائل شده است نزدیک‌تر است و از نقش فرهنگ در نقد فرهنگی نیومارک<sup>۱</sup> فاصله دارد، چراکه اصولاً بحث ایدئولوژی در روش نیومارک مطرح نیست.

- ساخت‌های زبانی: بر اساس نظریه فرکلاف، برخی ساخت‌های زبانی قابلیت ایدئولوژیک شدن دارند:
  - (الف) ساخت‌های آوایی و واجی (نظام آوایی و واجی)؛
  - (ب) ساخت‌واژه و واژگان (نظام صرفی)؛
  - (ج) ساخت‌های نحوی نشان‌دار (نظام نحوی): مجهول، اسنادی، شبه اسنادی و...؛
  - (د) مفاهیم معناشناختی: حذف و اظهار، ترادف، تضاد، هم‌آوایی، هم‌نویسی، استعاره، مجاز، و فنون بلاغی؛
  - (ه) مفاهیم کاربردی: پیش‌فرض‌ها، کنش‌ها (کنش‌های گفتاری بیانی / منظورشناختی / تأثیری و کارگفت‌های مستقیم / غیرمستقیم)، تلویحات؛
  - (و) ساخت‌های گفتمانی؛
  - (ز) ساخت‌های نگارشی و گرافیکی.

همه ساخت‌های زبانی به‌صورت بالقوه می‌توانند بار ایدئولوژیک داشته باشند، اما به‌صورت بالفعل تنها آن دسته از ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک هستند که علاوه بر معنای معناشناختی و یا کنش بیانی، دارای معنا و پیام تلویحی یا کنش منظورشناختی و تأثیری در تقابل با گفتمان‌های رقیب در بافت گفتمانی خرد و کلان باشند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۱۶-۱۷).

- دانش پیش‌زمینه
- بینامتنیت
- بینابافتاری
- تاریخ
- قدرت
- سلطه
- هژمونی
- کنشگران اجتماعی
- بافت اجتماعی
- تغییر اجتماعی

## ۲-۳. مدل نقد سه‌وجهی فرزانه فرحزاد

این مدل از این روی منحصر به فرد است که اولین مدل جامع، در نوع خود است که ارتباطی اصولی میان تگفا و نقد ترجمه برقرار می‌کند (یزدانی مقدم و فاخر، ۲۰۱۱، ص. ۲۸). فرحزاد معتقد است که تمام کردوکارهای زبان و متعاقباً ترجمه ایدئولوژیک هستند و مترجم نیز عامل این عمل ایدئولوژیک است. از این ادعا می‌توان نتیجه گرفت که نقد ترجمه نقد ایدئولوژی‌هاست (یزدانی مقدم و فاخر، ۲۰۱۱، ص. ۳۵).

مدل سه‌وجهی نقد ترجمه بر این اساس استوار است که ترجمه یک «رویداد اجتماعی ثانویه» است که هم ابزار ارتباط میان جامعه مبدأ و جامعه مقصد، هم به‌تنهایی ابزار ارتباط در جامعه مقصد به‌شمار می‌رود. بنابراین کلمات و توضیحات مترجم دارای تلویحات تاریخی، اجتماعی و ایدئولوژیک است و جامعه مقصد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو هیچ دو متنی، چه در یک جامعه، چه در دو جامعه مختلف، معادل یکدیگر محسوب نمی‌شوند. سه وجه مدل فرحزاد عبارت‌اند از:

- **بینامتنیت:** ارتباط، ارجاع و یا نقل قول مستقیم یا غیرمستقیم هر متن به متن‌های قبل و بعد از خود که سبب شباهت‌های صوری و محتوایی میان آن‌ها می‌شود. اما غیر از بخش ارجاعی و تکراری، هر متنی بخشی غیرتکراری و نوآورانه هم دارد. به این ترتیب، رابطه بینامتنیت بین متن اصلی و متن ترجمه هم برقرار است. آنچه باعث تمایز بین متن پیشین و متن پسین می‌شود، تفاوت‌های زبانی، فرهنگی و انتخاب‌های شخصی مترجم است. بینامتنیت در ترجمه می‌تواند در قالب تلمیح، شرح و شفاف‌سازی، نقل قول، پانویس، پی‌نویس، یادداشت و... تجلی یابد.
- **تگفا:** نظریه‌ای برخاسته از آرای زبان‌شناسی اجتماعی و انتقادی است که به ابتکار ژاک دریدا<sup>۱</sup> و دیگر متفکران برجسته غرب وارد مطالعات ترجمه شد و به کوشش متفکرانی چون میشل فوکو ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پیدا کرد و شکل انتقادی به خود گرفت. تگفا در پی آن است که فرایندهای ایدئولوژیک مؤثر بر شکل‌گیری گفتمان در ترجمه، فرض‌های گفتمانی در بردارنده بار پیش مناسبات زبان با قدرت، روابط سلطه، هژمونی ایدئولوژیک و نابرابری‌های گفتمانی را در کانون توجه خود قرار دهد (ویدوسون، ۲۰۰۴، ص. ۱۳۴). قدرت برای حفظ و استمرار خود با استفاده از شیوه‌های برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی به تولید معنا می‌پردازد و با به‌کارگیری ابزارهای انضباط و انقیاد،

<sup>۱</sup>. Peter Newmark

<sup>۲</sup>. Jacques Derrida

دشمن و موارد مشابه را حذف و طرد می‌سازد (سلطانی، ۱۳۸۳، ص. ۱۷۱). ایدئولوژی باورهای گروهی در جامعه است که ارزش‌ها و رفتارهای آنان را شکل می‌دهد و از طریق زبان در متن بازتاب می‌یابد. ایدئولوژی در ترجمه می‌تواند «خود» یا «دیگری» را غالب کند. به‌طور خلاصه، آنچه از تگفا در نقد سه‌وجهی مد نظر است، ساختارهای زبانی ایدئولوژیک در انتخاب‌های ترجمه‌ای است.

- **انتخاب‌های ترجمه‌ای:** انتخاب‌های مترجم در «سطح خُرد» شامل واژگان (ترادف و تضاد، تخصیص و تعمیم، شمول معنایی، جزءواژگی و...)، دستور (تغییر عاملیت یا معلوم و مجهول‌شدگی، اسمی‌شدگی یا تبدیل عبارت فعلیه به اسمیه، تبدیل مثبت به منفی و بالعکس، زمان - نمود - وجه فعل، جابه‌جایی عناصر جمله و...) و راهکارهای ترجمه (حذف و اضافه، تلویح و تصریح، تعمیم و تخصیص، بومی‌سازی و بیگانه‌سازی، تشدید و تضعیف، رقیق‌سازی و حسن‌تعبیر و...) در روش سه‌وجهی، تنها آن دسته از انتخاب‌ها مورد توجه تحلیلگر هستند که نشانگر بینامتنیت و یا بار ایدئولوژیک باشند.

روش نقد ترجمه براساس مدل سه‌وجهی تحلیلگر گفتمان انتقادی را ملزم به بررسی انتخاب‌های ترجمه‌ای (سطح خُرد) در «سطح کلان» شامل متن، پیرامتن (پانویس‌ها و یادداشت‌های مترجم یا ناشر، مقدمه و مؤخره، پیش‌گفتار) و نشانه‌های غیرکلامی (طرح دو طرف جلد، صفحه‌بندی، رسم‌الخط و حروف چینی، علائم نگارشی و سجاوندی، رنگ‌آمیزی، تصاویر) از لحاظ الگوهای تکرارشونده (بینامتنیت) و بار ایدئولوژیک سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و اخلاقی می‌کند.

در پژوهش حاضر قصد داریم انتخاب‌های ایدئولوژیک مترجم از نوع رقیق‌سازی و حسن‌تعبیر، تحریف، تشدید، تضعیف، تعمیم، تخصیص و جزءواژگی را در سطح متن بررسی کنیم. به این منظور، ابتدا این راهبردها را تعریف می‌کنیم و سپس در بخش تحلیل داده‌ها به بررسی چند مثال می‌پردازیم.

### ۳-۳. راهبردهای ترجمه

- **رقیق‌سازی و حسن‌تعبیر:** از شدت و حدت مفهومی که در متن مبدأ پررنگ است معمولاً به دلایل ایدئولوژیک و اخلاقی کاسته می‌شود و به جای آن یک مفهوم رقیق‌تر و بی‌خطرتر می‌آید و در واقع مترجم به حسن‌تعبیر پناه می‌برد (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶، صص. ۲۵۰-۲۵۱). بعضی مترجمان، زبان عامیانه متن مبدأ را به زبان معیار برمی‌گردانند، چراکه زبان عامیانه را مناسب شأن متن و ترجمه نمی‌دانند (همان، ص. ۲۵۱). رقیق‌سازی به

دلایل اخلاقی و تفاوت‌های فرهنگی در ترجمه ادبیات کودک بیشتر به چشم می‌خورد، اما محدود به آن نیست و در ترجمه انواع متن از جمله رمان، نمایش‌نامه و مطبوعات کاربرد گسترده دارد.

- **تحریف:** می‌تواند لفظی یا معنوی باشد. اما آن نوع از تحریف که به طور کلی در نگفا و به طور خاص در نقد سه‌وجهی مدنظر است، تحریف معنوی یا به عبارتی تحریف ایدئولوژیک در معناست. چنین تحریفی ممکن است گاهی ضرورتی هم نداشته باشد، اما مترجم یا ناشر بدان اهتمام می‌ورزند. گرچه تشدید و تضعیف هم نوعی تحریف محسوب می‌شود، اما در این مقاله منظور ما از تحریف مواردی است که تغییر معنا با تشدید یا تضعیف همراه نبوده است.
- **تشدید:** امکان شدت و قوت گرفتن معنا در تمام سطوح زبانی (واژگانی، معنایی، نحوی و دستوری، متنی و سبکی) وجود دارد. این تشدید یا به دلیل تفاوت‌های زبانی و فرهنگی است یا به دلیل ضعف و بی‌دقتی مترجم (همان، ص. ۲۴۹). اما نظر به آن‌که ضعف و بی‌دقتی مترجم خارج از بحث نگفاست، حالت موردنظر ما زمانی است که مترجم با تکیه بر ایدئولوژی موجب تشدید در ترجمه می‌شود.
- **تضعیف:** امکان کاهش قدرت معنا در تمام سطوح زبانی (واژگانی، معنایی، نحوی، دستوری، متنی و سبکی) وجود دارد. این تضعیف یا به دلیل تفاوت‌های زبانی و فرهنگی است یا به دلیل ضعف و بی‌دقتی مترجم (همان، ص. ۲۴۸). در اینجا نیز همچون مورد قبل تنها آن نوع تضعیف معنایی را در نظر می‌گیریم که ریشه ایدئولوژیک دارد. البته باید توجه داشت که از تضعیف معنا در ترجمه گریزی نیست، چراکه حفظ تمام ظرایف زبانی و فرهنگی زبان مبدأ محال است و گذشته از آن، ملاحظات ایدئولوژیک گاه باعث می‌شود مترجم ناچاراً از معادل‌های تقریبی و فرهنگی استفاده کند تا بار منفی متن مبدأ را کاهش دهد یا به کلی آن را خنثی سازد.
- **تعمیم / تخصیص:** تعمیم یعنی استفاده از واژه و اصطلاح عام‌تر به جای عنصر زبان مبدأ. استفاده از عنصری خنثی به جای واژه فرهنگی خاص زبان مبدأ هم تعمیم به‌شمار می‌رود (همان، ص. ۲۶۱). تخصیص برعکس تعمیم است. در هر صورت، تعمیم و تخصیص معنایی موردنظر ما باید جنبه ایدئولوژیک داشته باشد.

- **جزء‌واژگی:** بیانگر رابطه کل به جزء میان دو مفهوم است که در سطح واژگانی تجلی می‌یابد. رابطه جزء‌واژگی میان متن اصلی و ترجمه دو صورت دارد، یا واژه کل به واژه جزء خود ترجمه می‌شوند یا واژه کل جایگزین واژه جزء در ترجمه می‌شود. در هر حالت، جزء‌واژگی مورد جست‌وجو در نقد سه‌وجهی باید بار ایدئولوژیک داشته باشد.

#### ۴. تحلیل انتخاب‌های ایدئولوژیک مترجم

رمان خدایان تشنه‌اند و ترجمه فارسی آن شامل ۲۹ فصل است، ۱۰ فصل نخست دارای ۷۳ صفحه پیکره فرانسه (صص. ۷۸۵) و ۱۰۶ صفحه پیکره فارسی (صص. ۱۱۹-۱۳) را برای نقد براساس مدل سه‌وجهی برگزیدیم. از این پیکره، ۶۴ پاره‌متن، شامل ۶۹ انتخاب ترجمه‌ای را، برای تحلیل ایدئولوژیکی مناسب تشخیص دادیم. از این میان، ۱۰ پاره‌متن حاوی ۱۱ انتخاب ایدئولوژیک را برای تجزیه و تحلیل به‌عنوان نمونه انتخاب کردیم. روش نمونه‌گیری، غیرتصادفی هدفمند و معیار آن، تنوع حداکثری راهبردها و پرهیز از ابهام زبانی یا ادبی بوده است. در جدول ۱، فراوانی عددی هریک از راهبردهای ترجمه‌ای مورد مطالعه در کنار تعداد نمونه‌های منتخب از هر کدام آورده شده است. علت فزونی تعداد راهبردهای مدرج در جدول نسبت به راهبردهای یادشده در قسمت قبل، راهبرد «تحریف و تشدید» التقاطی است و نیز برخی نمونه‌ها مرکب از دو راهبرد هستند.

#### جدول ۱. فراوانی عددی راهبردهای ایدئولوژیک ترجمه در پیکره منتخب از خدایان تشنه‌اند

فراوانی نمونه‌ها	فراوانی مطلق	راهبردهای ایدئولوژیک ترجمه
۱	۱۶	رقیق‌سازی و حسن تعبیر
۱	۸	تحریف
۱	۱۳	تشدید
۱	۱۲	تحریف و تشدید
۱	۶	تضعیف
۲	۴	تعمیم
۱	۲	تخصیص
۱	۳	جزء‌واژگی
۱	۱	تشدید + رقیق‌سازی و حسن تعبیر
۰	۳	تعمیم + رقیق‌سازی و حسن تعبیر
۱	۱	تخصیص + تشدید

اکنون قصد داریم به تحلیل نمونه‌های منتخب بپردازیم. عباراتی که زیر آن‌ها خط کشیده‌ایم نشانگر مواردی هستند که مترجم در ترجمه آن‌ها انتخاب ایدئولوژیک داشته است.

• **رفیق‌سازی و حسن تعبیر**

1. *Il ne désespérait point du salut de la patrie. Aux propos inciviques de Jean Blaise il opposait sa foi révolutionnaire (chap. 3, p. 24, par. 5).*

او هرگز از نجات میهنش نومید نبود. اظهارات سرد ژان بلز ایمان انقلابی خواهانه‌اش را از بین نمی‌توانست برد [...] (فصل ۳، ص ۴۵، پ ۲).

گرچه داستان از زبان دانای کل، یعنی خود نویسنده، نوشته شده است که او برای صحبت در مورد هر کدام از شخصیت‌ها از واژگان مناسب خط فکری و رفتاری آن‌ها استفاده کرده و سعی نداشته تا افکار شخصی خود را در هر واژه منعکس سازد. براساس فرهنگ لاروس<sup>۱</sup>، صفت «*incivique*»، متضاد «*civique*» (لاروس: «آنچه نشان از میهن‌پرستی دارد، ویژگی شهروند خوب»)، به معنای «آنچه نشان از میهن‌پرستی ندارد و شایسته یک شهروند نیست» می‌باشد. ترکیب «*propos inciviques*» (اظهارات غیر میهن‌پرستانه) نیز که در مورد ژان بلز تاجر، پدر الودی محبوب اواریسست که مردی منفعت‌طلب و لذت‌جوست به کار رفته، از دیدگاه اواریسست بیان شده است. اما مترجم با انتخاب صفت «سرد» به جای غیر میهن‌پرستانه، مخالفت خود با عقاید متعصبانه اواریسست در مورد میهن‌پرستی و انقلابی‌گری را نشان داده است.

• **تحریف**

2. *Dans le magasin de M. Bienassis la jeune fille avait trouvé Joseph Gamelin, vêtu de son bel habit rose, et elle avait compris tout de suite de quoi il retournait (chap. 2, p. 14-15).*

در مغازه مسیو بیناسی دختر جوان ژوزف گاملن را با لباس زیبای قرمزش دیده و فوراً دریافته بود که او چرا سر به عقب بر می‌گرداند (فصل ۲، ص ۲۹، پ ۱).

براساس فرهنگ لاروس، صفت رنگ «*rose*» به معنای «آنچه رنگ قرمز روشن دارد» یا اصطلاحاً صورتی است. فرهنگ عمید نیز صورتی را «سفید مایل به سرخ» معنا کرده است. از مقایسه این دو تعریف نتیجه می‌گیریم که صورتی از ترکیب قرمز و سفید به دست می‌آید و خود هویتی مجزا دارد. ترکیب «*habit rose*» یعنی لباس صورتی، اما از آنجاکه حداقل در فرهنگ ایرانی و به خصوص در عصر ترجمه این اثر پوشیدن جامه صورتی رنگ

<sup>1</sup>. *Dictionnaire Larousse*

برای مردان شایسته نبوده و حتی مذموم شمرده می‌شده است، مترجم آن را به «قرمز» تعبیر کرده است. کسی هم که در داستان لباس صورتی به تن کرده، ژوزف گاملن (پدر اواریسست) در جوانی است. به نظر می‌رسد این تحریف مترجم به جا و هوشمندانه بوده و آسیبی به فهم متن نزده است.

• **تشدید**

3. *Le citoyen Brotteaux montrait au jeune magistrat de l'intérêt mêlé de surprise et une déférence forcée (chap. 9, p. 65, par. 2).*

همشهری بروتو نسبت به قاضی جوان دلسوزی آمیخته به اعجاب و احترام ابراز می‌داشت (فصل ۹، ص ۱۰۲، پ ۲).

چهارمین معنایی که در فرهنگ لاروس برای لغت «*intérêt*» در نظر گرفته شده است «نظر مساعد و خیرخواهانه نسبت به کسی» است که در تضاد با «بی‌تفاوتی» قرار می‌گیرد. در متن مقصد می‌توان معادل «علاقه» را انتخاب کرد. در حالی که طبق فرهنگ عمید، واژه «دلسوزی» که مترجم معادل واژه مبدأ قرار داده است به معنای «غمخواری و شفقت» است. اما چون بروتو شخصیتی رند و نوع‌دوست دارد، مترجم خواسته است با این انتخاب نشان دهد او حتی نسبت به اواریسست متعصب و غیرمنعطف هم محبتی مشفقانه دارد.

• **تحریف و تشدید**

4. *La citoyenne veuve Gamelin donna, en réponse, un bon témoignage de son fils, sans toutefois s'enorgueillir de lui devant une dame de haut parage, car elle avait appris dans son enfance que le premier devoir des petits est l'humilité envers les grands. (chap. 7, p. 52, par. 5)*

بیوه گاملن در تأیید حرف‌های او از پسرش تعریف نمود، معهذای آن‌که در مقابل چنین خانم اعیانی اظهار تکبری کند چه از بچگی به او یاد داده بودند که نخستین وظیفهٔ طبقه پست احساس خفت و حقارت در برابر طبقهٔ اعیان است (فصل ۷، ص ۸۴، پ ۸).

نخستین معنای «*humilité*» در فرهنگ لاروس، «احساس یا حالت روحی کسی است که از کاستی‌ها و ضعف‌های خود آگاه است و به همین خاطر شایستگی‌های خود را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد». بر این اساس، می‌توان معادل «خشوع» یا «تواضع» را در ترجمه برگزید که صفتی نیکوست و بار عاطفی مثبت دارد. اما مترجم برای تأکید بر طبقهٔ اجتماعی مادر اواریسست که از فقر است و اختلاف طبقاتی او با موریس بروتو که از نجای قدیم است، و نیز این واقعیت که حتی بعد از انقلاب کبیر و همسان‌سازی عناوین و القاب و امحای ظاهری نظام طبقاتی،

همچنان عادت‌واره‌های قدیمی غنی و فقیر و اصیل و ناصیل پابرجاست، خشوع مادر اواریست را به «احساس خفت و حقارت» تعبیر کرده است. حال آن‌که، بنابر فرهنگ عمید، «خفت» یعنی «سبکی در عقل یا کار» و خواری نیز به معنای «پستی» است. این دو واژه که مترادف هم به‌شمار می‌روند، بار عاطفی منفی دارند.

#### • تضعیف

5. *Car alors, comme disait le vieux Brotteaux, « la Convention, à l'exemple du gouvernement de Sa Majesté britannique, faisait passer en jugement les généraux vaincus, à défaut des généraux traîtres, qui, ceux-ci, ne se laissaient point juger. (chap. 9, p. 61, par. 8)*

[...] زیرا در آن زمان همان‌طور که بروتو می‌گفت: «کنوانسیون به پیروی از حکومت انگلیس سرداران مغلوب را به‌جای سرداران خائن که از محاکمه مصون بودند به پای میز محاکمه می‌فرستاد. [...]» (فصل ۹، ص ۹۷، پ ۵).

سومین معنای «majesté» در فرهنگ لاروس عبارت است از: «عنوانی که به فرمانروایان موروثی داده می‌شود». فرمانروایان موروثی یعنی افراد خاندان سلطنتی. بنابراین عنوان «اعلی‌حضرت» (دهخدا، «از القاب پادشاه») معادل مناسبی خواهد بود. پس «اعلی‌حضرت بریتانیا» ترجمه دقیق‌تری برای عبارت «Sa Majesté britannique» می‌بود، اما به دو دلیل ممکن است مترجم از این انتخاب پرهیز کرده باشد: اول، کینه و ظن تاریخی ملت ایران نسبت به انگلیس و دوم، این‌که حکومت ایران در زمان نشر این ترجمه پادشاهی بوده است و تنها یک اعلی‌حضرت برای ملت وجود داشته است. بنابراین مترجم نخواست است هیچ بار عاطفی منفی یا تحریک‌آمیزی به مخاطب ایرانی چه عامی چه فرهیخته القا کند. پس به تعبیر بی‌خطر «حکومت انگلیس» بسنده کرده است.

#### • تعمیم / تخصیص

6. *Le secrétaire du Comité militaire, Fortuné Trubert, faisait invariablement cette réponse à ceux qui s'inquiétaient de sa santé, moins pour les instruire de son état que pour couper court à toute conversation sur ce sujet. Il avait, à vingt-huit ans, la peau aride, les cheveux rares, les pommettes rouges, le dos voûté. Opticien sur le quai des Orfèvres, il était propriétaire d'une très ancienne maison qu'il avait cédée en 91 à un vieux commis pour se dévouer à ses fonctions municipales (chap. 1, p. 6, par. 6).*

منشی کمیته نظامی، فورتونه تروبر به کسانی که از او احوال‌پرسی می‌کردند همیشه به‌طور یک‌نواخت بدین منوال پاسخ می‌داد و البته قصدش بیشتر کوتاه کردن هر نوع گفت‌وگو در این زمینه بود تا اطلاع دادن از وضع حقیقی



مراجش. در بیست‌وهشت سالگی پوستش خشک و موهایش تنک و رنگ‌ورویش سرخ و قامتش خمیده بود. در کوچهٔ اورفور مغازهٔ دوربین‌فروشی داشت و بعد از انقلاب خانهٔ قدیمی خود را به دیگری واگذار کرده بود تا به فراغ‌بال به امور مربوط به شهرداری اشتغال ورزد (فصل ۱، ص ۱۶، پ ۴).

معنای نخست «*pommette*» در فرهنگ لاروس عبارت است از «برجسته‌ترین قسمت گونه که زیر چشم قرار دارد» و اصطلاحاً به «استخوان گونه» تعبیر می‌شود. پس ترکیب «*pommettes rouges*» مجازاً به معنی گونه‌های سرخ است؛ تعبیری که در فارسی بیشتر برای زنان به‌کار می‌رود و حاکی از نشاط و جوانی آن‌هاست. اما «رنگ‌وروی سرخ» جدای از بار معنایی مثبت آن که سلامت و شادابی شخص را می‌رساند، می‌تواند به معنای آفتاب‌سوختگی و روستایی بودن نیز باشد. بنابراین مترجم با هوشیاری گونه‌های سرخ را به «رنگ و روی سرخ» تعمیم داده است، چون صحبت از مردی جوان، کم‌مو و قوزدار است که نشاط خود را در کارهای دفتری گم کرده است.

در مورد ترجمهٔ «*opticien*» (لاروس: «کسی که انواع لنز عکاسی، طبی و معمولی می‌سازد و یا می‌فروشد») به «دوربین‌فروش»، مترجم از راهبرد تخصیص بهره برده است، زیرا استفاده از معادل توصیفی را نامناسب و ترجمهٔ عادی آن به «لنزفروش» یا «فروشندهٔ لنز» را نیز مرسوم نیافته است.

7. *Nous en avons trop vu, de ces grands citoyens que vous n'avez conduits au Capitole que pour les précipiter ensuite de la roche Tarpéienne, Necker, Mirabeau, La Fayette, Bailly, Pétion, Manuel, et tant d'autres (chap. 3, p. 23, par. 5).*

ما از این اشخاص بزرگی که شما آن‌ها را به کاپیتول نبرده‌اید مگر برای این که بعداً آن‌ها را از صخرهٔ «تارپنی» سرنگون کنید، از قبیل نکر، میرابو، لافایت، بلی، پسیون، مانول زیاد دیده‌ایم (فصل ۳، صص ۴۳-۴۴).

در فرهنگ لاروس، «*citoyen*» در معنای عام یعنی «شخصی که تحت حکومتی که در آن زندگی می‌کند، از حقوق شهروندی و سیاسی از جمله حق رأی برخوردار است» و در معنای خاص یعنی «لقبی که سان کولت‌ها در جریان انقلاب فرانسه از سال ۱۷۹۲ جایگزین لقب "*monsieur*" یا "آقا" کردند چراکه آقا اشرافی تلقی می‌شد». بنابراین، «شهروندان» یا در معنای بسیط، «میهن‌پرستان»، مترادف تقریباً دقیقی برای «*citoyens*» است. اما مترجم با تعمیم آن به «اشخاص» نه تنها جنبهٔ انقلابی آن را زوده، بلکه جنبه‌ای انسانی و جهان‌گیر به آن داده است تا بر هیبت و بزرگی افراد جمهوری خواهی مانند لافایت در سطح گسترده‌تری تأکید ورزد و آن‌ها را از تودهٔ افراد عامی جدا کند، هرچند همه در نظام جدید «شهروند» محسوب می‌شوند.

## • جزءواژگی

8. - *Citoyen Évariste, va donc à la Convention demander qu'on nous envoie des instructions pour fouiller le sol des caves, lessiver la terre et les moellons et recueillir le salpêtre. Ce n'est pas tout que d'avoir des canons, il faut aussi de la poudre (chap. 1, p. 7, par. 4).*

همشهری اواریست، پس به کنوانسیون برو و خواهش کن دستوراتی برای کاوش سرداب‌ها و به‌دست آوردن باروت بدهد و کار فقط با داشتن توپ درست نمی‌شود، باروت هم لازم است (فصل ۱، ص ۱۸، پ ۱).  
براساس لغت‌نامه بیاموز، «salpêtre» یعنی «شوره» یا به اصطلاح علمی، نیترات پتاسیم. ضمناً از تعریف فرهنگ عمید برای لغت «باروت» (ترکی، مأخوذ از فرانسوی: *poudre*) نتیجه می‌گیریم که شوره در کنار زغال و گوگرد هر سه ترکیبات تشکیل‌دهنده باروت هستند؛ ماده‌ای که خاصیت انفجاری دارد و برای ساختن مواد منفجره به‌کار می‌رود. اما نظر به آن‌که مخاطب غیرمتخصص فارسی‌زبان شوره را بیشتر در ترکیب «شوره سر» می‌شناسد، مترجم ترجیح داده است برای فهم و خوانش بهتر متن «باروت» را جایگزین آن کند.

## • تشدید + رقیق‌سازی و حسن تعبیر

9. *Il songeait en même temps à sa maîtresse et à sa sœur Julie. Julie aussi avait écouté un amant ; mais, bien différente, pensait-il, de la malheureuse Élodie, elle s'était fait enlever, non point dans l'erreur d'un cœur sensible, mais pour trouver, loin des siens, le luxe et le plaisir (chap. 5, p. 34, par. 6).*

در عین حال به معشوقه‌اش و به خواهرش ژولی می‌اندیشید و با خود فکر می‌کرد ژولی نیز حرف‌های معشوقی را شنیده بود، ولی این اختلاف را با الودی بدبخت داشت که او نه بر اثر اشتباه یک قلب حساس بلکه برای دسترسی به تجمل و لذات از راه به در شده بود (فصل ۵، ص ۵۸، پ ۲).

هشتمین معنای فعل «*enlever*» در فرهنگ لاروس عبارت است از «ربودن شخصی از خانواده‌اش با اعمال زور یا حقه» و معنای نهم آن نیز «همراه کردن کسی در فرار عاشقانه» است. بنابراین حالت مجهول و انفعالی این فعل (*se faire enlever*) به معنای «ربوده شدن» یا «فراری داده شدن» است. در این حالت گرچه فعل مجهول است، مفعول آن در امر فاعل مشارکت دارد؛ یعنی شخصی که فراری داده می‌شود با کسی که او را فراری می‌دهد مشارکت و تعامل دارد. بنابراین در داستان، ژولی خواهر اواریست به میل خود با نامزدش فرار کرده است و تقصیر و گناه از هردو طرف بوده است. درحالی که فعل «از راه به در شدن»، کنایه از گول خوردن و گمراه شدن، بیشتر بر

خطا از جانب «گمراه‌کننده» (نامزد ژولی) تأکید دارد و نه «گمراه‌شونده» (ژولی). بنابراین، گرچه در نظر اول تشدید و رقیق‌سازی با هم منافات دارند، در اینجا می‌بینیم که معنا دستخوش هردو تغییر شده است.

#### • تخصیص + تشدید

10. *Tous les hommes cultivés savaient par cœur les beaux endroits de ce poème divertissant et philosophique (chap. 10, p. 76, par. 1).*

مردهای روشنفکر قطعات زیبای این اشعار تفریحی و فلسفی را از بر داشتند (فصل ۱۰، ص ۱۱۶، پ ۲).

از یک سو، طبق فرهنگ لیترن<sup>۱</sup>، صفت «cultivés» یعنی «فرهیخته، کسی که در زمینه‌های مختلف، آموزش دیده است» و مترادف «باسواد» (*lettré, instruit*) آورده شده است. به علاوه، صفت «روشنفکر» طبق لغت‌نامه دهخدا به معنای «تجددگرای» است. از سوی دیگر، «*hommes cultivés*» (مردهای باسواد) شامل طبقه «مردهای روشنفکر» نیز می‌شود، اما به آن محدود نیست. اما چون در ایران، صرف باسواد بودن متضمن علاقه به شعر نیست و نیز چون مناظره شاعرانه - همان‌طور که در جریان داستان اتفاق می‌افتد - مسلک روشنفکران بوده است، مترجم مردان باسواد را به مردان روشنفکر تخصیص داده و ضمناً با این کار بر بار عاطفی آن افزوده است. در پایان باید به این نکته اشاره کرد که آنچه در نگاه نخست اشتباه ترجمه تلقی می‌شود چون کلمه یا عبارتی حذف، اضافه یا جابه‌جا شده و به‌طور کلی ساخت‌شکنی شده است، در واقع ساختار و ایدئولوژی‌های مشخصی را برجسته می‌کند که ترجمه‌ها بر پایه آن‌ها تولید و دریافت می‌شوند.

#### ۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، فقط آن دسته از انتخاب‌های ترجمه‌ای با استفاده از مدل نقد سه‌وجهی در متن، پاره‌متن و نشانه‌های غیرکلامی (سطح کلان) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند که بار ایدئولوژیک یا بینامتنیت داشتند. از میان راهبردهای ترجمه‌ای ایدئولوژیک که در این پژوهش بررسی کردیم، رقیق‌سازی و حسن تعبیر، تشدید، تحریف و تشدید به ترتیب با ۱۶، ۱۳ و ۱۲ مورد بیشترین درصد فراوانی کل را به خود اختصاص داده‌اند (تقریباً معادل ۵۹ درصد که حدود دو سوم کل انتخاب‌های ایدئولوژیک مترجم را دربرمی‌گیرد). در وهله بعد، تحریف، تضعیف، راهبردهای مرکب، تعمیم، جزءواژگی، و تخصیص به ترتیب با ۸، ۶، ۵، ۴، ۳ و ۲ مورد درصد فراوانی کل کم‌تری نسبت به سه راهبرد قبلی دارند (تقریباً معادل ۳۱ درصد یا یک سوم کل انتخاب‌های ایدئولوژیک مترجم). مهم‌ترین نکته‌ای که طی مطالعه پیکره و بررسی نمونه‌ها همواره مدنظر قرار دادیم، این بود که انتخاب‌های

<sup>۱</sup>. *Linternaute*

ایدئولوژیک با انتخاب‌های شخصی و سلیقه مترجم تفاوت دارند، هرچند گاهی تشخیص آن‌ها از هم دشوار می‌شود و نیاز به تعمق بیشتر دارد. گذشته از این، اکثر ساختارهای زبانی ایدئولوژیک که مترجم خدایان تشنه‌اند به‌کار برده است به دلایل فرهنگی، مذهبی و اخلاقی بوده است و کم‌تر موردی در ترجمه او به چشم می‌خورد که بار سیاسی مثبت به نفع حاکمیت وقت داشته باشد. نوآوری پژوهش حاضر در این است که برای نخستین بار تعدادی از راهبردهای ترجمه - و نه لزوماً انتخاب‌های مترجم در سطح واژه یا دستور - از لحاظ بار ایدئولوژیک فرهنگی، مذهبی و اخلاقی - و نه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی - در قالب رمان مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. اما آنچه مبرهن است آن است که حوزه تحلیل انتقادی گفتمان و ترجمه ظرفیت‌های بسیاری برای تحقیق و تفحص دارد و به همان میزان، مطالعات بسیطی در رشته‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی می‌طلبند، چراکه زبان‌شناس - ترجمه‌شناس تنها با اتکا به دانش و ابزارهای خاص زبان‌شناسی و ترجمه‌شناسی قادر به تحلیل علمی و منطقی ساختارهای ایدئولوژیک متن نخواهد بود.

### منابع

- آقاگل‌زاده، ف. (۱۳۹۱). توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی. جستارهای زبانی، ۳(۱۰)، ۱-۱۹.
- آقاگل‌زاده، ف.، و غیاثیان، م. (۱۳۸۶). رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی. زبان و زبان‌شناسی، ۳(پیاپی ۵)، ۳۹-۵۴.
- آلتوسر، ل. (۱۳۸۶). ایدئولوژی و سازوگرهای ایدئولوژیک دولت. ترجمه ر. صدر آرا. تهران: چشمه.
- امیرشجاعی، آ.، و قریشی، م. (۱۳۹۲). بررسی نشانه‌ای - فرهنگی و تغییر ایدئولوژی در ترجمه (براساس تحلیل گفتمان انتقادی)، مطالعه موردی: پیرمرد و دریا، اثر ارنست همینگوی. زبان‌پژوهی (علوم انسانی)، ۸(۱۹)، ۳۲-۷.
- بارکر، ک. (۱۳۸۷). مطالعات فرهنگی، نظریه و عملکرد. ترجمه م. فرجی، و ن. حمیدی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- سجودی، ف.، و شاه طوسی، ش.، و فرحزاد، ف. (۱۳۹۰). بررسی و نقد ترجمه بین‌زبانی و ترجمه بین‌نشانه‌ای «مرگ دستفروش» از دیدگاه نشانه‌شناسی انتقادی. جستارهای زبانی، ۲(۸)، ۷۳-۸۹.
- سلطانی، ع.ا. (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به‌مثابه نظریه و روش. علوم سیاسی، ۷(۲۸)، ۱۵۳-۱۸۰.

- صلح‌جو، ع. (۱۳۷۷). گفتمان و ترجمه. تهران: نشر مرکز.
- عبدی، ن.، و فرحزاد، ف.، و سعیدنیا، گ. (۱۴۰۰). زمان دستوری و تلویحات ایدئولوژیک آن در ترجمه بارویکرد تحلیل گفتمان انتقادی. *زبان‌پژوهی (علوم انسانی)*، ۳(۳۹)، ۱۸۵-۲۱۱.
- فرانس، آ. (۱۳۳۶). خدایان تشنه‌اند. ترجمه ک. عمادی. تهران: انتشارات کتابخانه ابن سینا.
- فرحزاد، ف. (۱۳۸۲). چارچوبی نظری برای نقد ترجمه. *مطالعات ترجمه*، ۱(۳)، ۲۹-۳۶.
- فرحزاد، ف. (۱۳۸۷). نقد ترجمه از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی. *مطالعات ترجمه*، ۶(۲۴)، ۳۹-۴۷.
- فرحزاد، ف. (۱۳۹۰). نقد ترجمه: مدلی سه‌وجهی براساس تحلیل انتقادی گفتمان. *مطالعات ترجمه*، ۹(۳۶)، ۲۷-۴۴.
- فرحزاد، ف.، و مدنی، ف. (۱۳۸۸). ایدئولوژی و ترجمه: مطالعه موردی. *مطالعات ترجمه*، ۷(۲۶)، ۱۱-۳۰.
- مرادی، ک. (۱۳۹۶). *نقد فرهنگی بر مبنای نظریه ایدئولوژی آلتوسر: بررسی نسبت ایدئولوژی و فرهنگ*. مجموعه مقالات اولین همایش ملی نقد متون و کتب علوم انسانی جلد دوم «مبانی، روش و چشم‌انداز نقد مطلوب»، صص. ۲۱-۳۳.
- هاشمی میناباد، ح. (۱۳۹۶). ابزارهای مفهومی نقد ترجمه (۲)، فنون و راهبردها، تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها. نقد کتاب ادبیات و هنر، ۳(۱۲)، ۲۴۷-۲۶۳.

France, A. (1912). *Les dieux ont soif*. Paris: Calmann-Lévy.

Tylor, E.B. (1903). *Primitive Culture: Researches into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Language, Art, and Custom*. vol. 1. London: John Murray.

Van Dijk, T. (2002). *Principles of Critical Discourse Analysis*. in *Critical Discourse Analysis*. ed. M. Toolan. 2. Routledge, 104-141.

Widdowson, H. G. (2004). *Text, Context and Pretext*. New Jersey: Blackwell Publishing.

Yazdanmoghadam, M., & Fakher, M. (2011). *Examining the Effect of Ideology and Idiosyncrasy on Lexical Choices in Translation Studies within the CDA Framework*. *Journal of English Studies*, 1(3), 27-36.

وب‌گاه‌ها

<https://dic.b-amooz.com/fr/dictionary>

<https://www.larousse.fr/>

<https://www.linternaute.fr/dictionnaire/fr/>

<https://www.vajehyab.com/>